



عرفان اصیل از دیدگاه ابن عربی پای‌بندی به شریعت است

ابن عربی سفارش می‌کند که باید واردات غیبی و الهامات الهی را با میزان شریعت سنجید، لذا از دیدگاه او حقیقت عین شریعت است...

ابن عربی سفارش می‌کند که باید واردات غیبی و الهامات الهی را با میزان شریعت سنجید، لذا از دیدگاه او حقیقت عین شریعت است.

از آنجا که موقعیت ابن عربی در عرفان اسلامی، موقعیتی ممتاز و برجسته است و نیز از آنجا که مسئله توجه به شریعت در میان عارفان، یک مسأله بحث‌انگیز است، به نظر می‌رسد که یادآوری نکاتی از ابن عربی در این زمینه سودمند باشد. ابن عربی اهمیت شریعت را از جهات مختلف در آثار خود مطرح کرده است. ما در اینجا تنها به ذکر چند نکته از فتوحات او قناعت می‌کنیم:

الف. با عمل به شریعت از مکر الاهی در امان خواهیم بود. اهل عرفان می‌دانند که مراحل پیچیده‌ای در معامله حق با سالک وجود دارد که از آن به عنوان «مکر» تعبیر می‌کنند و این «مکر»، سالک را با سردرگمی و خطرهای گوناگون روبه‌رو می‌سازد. این مکرها گاه چنان پیچیده‌اند که مردان مرد را دچار سردرگمی و لغزش می‌سازند. تنها پناهگاه سالک در برابر این مکر، شریعت است.

ابن عربی در این باره می‌گوید: «بدان که من در مکر الهی و چگونگی در امان ماندن از این مکر دقت کردم، چاره‌ای به نظرم نرسید جز آنکه باید دست به دامن شریعت زد؛ بنابراین اگر خداوند کسی را بخواهد به سوی خیر و سعادت هدایت کند و از گرفتاری‌های مکر در امان بدارد، کاری می‌کند که او هیچ‌گاه میزان شریعت را از دست نگذارد... هیچ بنده‌ای نباید از این میزان غفلت کند... هر که بخواهد از مکر حق ایمن بماند، باید میزان شریعت را از دست ندهد؛ میزانی که آن را از پیامبر به ارث برده و فرا گرفته است. پس هر چه از طرف خدا دریافت کند آن یافته‌ها را در این میزان بگذارد؛ اگر با میزان شرع پذیرفته شد آن را داشته باشد و گرنه ترکش کند.»

ابن عربی سفارش می‌کند که حتی باید واردات غیبی و الهامات الهی را نیز با میزان شریعت سنجید. او می‌گوید: «اهل الله در این مورد اختلاف ندارند. بسیاری از بزرگان حوزه کشف و شهود گرفتار آشفتگی شده، از نظر تشخیص حالات خود دچار پیچیدگی‌های مکر می‌گردند و لذا باید میزان شریعت را از دست نگذارند.»

ب. حقیقت عین شریعت است. ابن عربی می‌گوید: «هر که از شریعت فاصله بگیرد، اگر تا آسمان هم بالا رفته باشد به چیزی از حقیقت دست نخواهد یافت. حقیقت عین شریعت است. شریعت مانند جسم و روح است که جسمش احکام است و روحش حقیقت.»

ج. تنها با شریعت می‌توان دنیا را در جهت آخرت تنظیم کرد. اگر هدف، زندگی دنیوی باشد شاید انسان بتواند با عقل و اندیشه به اداره آن بپردازد بر این‌که به دنبال مصلحت رفتن برای موجود زنده یک عمل ذاتی است، تا چه رسد به انسان که دارای عقل و اندیشه است. هیچ جامعه‌ای بی‌قانون نبوده است و شریعت هم غالباً همین قوانین اجتماعی موجود را تأیید کرده است. فرق عمده قوانین اجتماعی شرعی با قوانین اجتماعی بشری در آن است که انسان به‌هنگام عمل به قوانین شرعی می‌تواند قصد قربت کند، چون فرمان الهی را انجام می‌دهد.

بنابراین آنچه در شریعت هدف اصلی است، تنظیم دنیا در جهت مصالح آخرت است، وگرنه دنیا با قوانین بشر ساخته نیز اداره می‌شود. پس مادامی که زندگی دنیوی در کار باشد، تکلیف و شریعت ضروری خواهد بود.